

اهمیت شهادت در گسترش عدالت مدنی و خزائی

شهادت در زمره اسناد مدار اعتبار

یافته های من از لابلاهای احکام قانون



سخی صمیم

بخش سوم

پیوست به گذشته

ارتباط این بخش قانون اجرائات جزائی با قانون جزا

ماده ۴۷۶ قانون جزا هدایتی دارد به این شرح

۱ - در جرایم مندرج فصول این باب که ازان به زوج یا یکی از اصول و فروع ضرر برسد ، تحریک دعوی یا سایر اجرائات علیه شان جواز ندارد . مگر به شکایت مجنی علیه و دعوی جزائی قبل از صدور حکم قطعی با انصراف مجنی علیه از شکایت ساقط میگردد.

۲ - انصراف اگر در جرایم مندرج بعد از حکم قطعی محکمه صورت گیرد تنفیذ حکم متوقف میگردد.

۳ - در حالیکه اشیای محل جرم به حکم قضا یا مراجع با صلاحیت قانونی تحت حجز قرار گرفته باشد یا در تصرف قضا گذاشته شده باشد یا مرهونه غیر باشد یا به حق انتفاع غیر در آمده باشد احکام این ماده تطبیق نمی گردد.

جالب و قابل دقت است که تحریک دعوی جزائی و حتی توقف تنفیذ حکم صادره محاکم در بند تصمیم مجنی علیه قرار گرفته است.

مجنی علیه کسیست که نتیجه عمل جرمی بالای آن انجام یافته و ضرر عاید شده است. چون بر مبنای هدایت ماده فوق الذکر ضرر عاید، جانی و مالی که منجر به نقض حقوق مجنی علیه شده است اساس اصلی این موضوع به حساب می آید پس استوار بر همین اصل تحریک دعوی، عدم تحریک و یا توقف تنفیذ جزا که همه مسبب پیگرد و رهایی مجرم می گردد وابسته به تصمیم و عمل مجنی علیه هست.

بر باور من با توجه به اهمیت و بزرگی چنین قضایا اگر مقامات با صلاحیت به نوعی از انواع ضرورتی به استجواب شهودیکه در قضیه ذیدخل پنداشته شود و احضار و استجواب ایشان مُمدٌ خیر و وسیلهٔ توسل به صواب در راه تطبیق، حفظ و سلامت قانون گردد ازین حکمت قانونی به نفع عدالت جزائی و مدنی استفادهٔ سالم نمایند مانعی نخواهد داشت. فکر می کنم هدایت زیرین قانون جزا هم بی ارتباط به بحث گذشتهٔ ما نخواهد بود.

مادهٔ ۳۸۱ قانون جزا

۱ - شخصیکه قانونن به اطلاع یک امر به یکی از مؤظفین خدمات عامه یا به اطلاع امور معلوم مکلف باشد و عمدن به اطلاع آن به کیفیت مطلوب و در وقت معین قانونی امتناع ورزد. حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

۲ - هر مؤظف خدمات عامه که به کشف جرایم و گرفتاری مجرم مؤظف گردیده و در اطلاع جرایم مذکور بعد از علم اهمال ورزد به جزای مندرج فقره فوق محکوم میگردد. مشروط بر اینکه در جرم مذکور تقدیم دعوی معلق به شکایت نباشد یا مجرم زوج یا یکی از اصول یا فروع یا برادر یا خواهر یا از محارم مصاهرت مؤظف خدمات عامه باشد.

با تأمل اندک در می یابیم که اثبات اتهام منسوبه بر متهمین مندرج مواد ذکر شده وجوب دقت و احتیاط لازم کار دارد و زمانیکه موجودیت، و حضور شهود در چنین قضایا مدلل گردیده و استماع داشته های آن لازمی پنداشته شود، فکر می کنم - شنید و استماع داشته های شهود در موضوع ضروری و لازمی پنداشته میشود و استجواب و احضار آن عیبی نخواهد داشت.

استناد به شهادت شهود

استناد به شهادت شهود من حیث حجت و سند اثباتیهٔ قانونی در دعاوی مدنی و قضایای کیفری وقتی مدار اعتبار است که شرایط شرعی و قانونی در آن محقق شده و مجوز قانونی استناد را داشته باشد.

قانون مدنی افغانستان در مادهٔ ۹۹۱ خویش قید می کند:

(۱) سند رسمی ورقی است که مؤظف عمومی یا کارکنان خدمات عامه به اساس احکام قانون در حدود صلاحیت اختصاصی خویش آنچه را بحضور شان گذارش می یابد یا از اشخاص ذیعلاقه کسب می کند، در آن درج و ثبت نموده باشند.

(۲) در صورتیکه ورق مذکور صفت سند رسمی را کسب ننموده، مگر اشخاص ذیعلاقه به آن امضا، مهر یا نشان انگشت نموده باشند، حیثیت سند عرفی را دارند.

مادهٔ ۹۹۲ -

محتویات اسناد رسمی مندرج مادهٔ (۹۹۱) این قانون حجت شمرده میشود، بشرطیکه از جعل و تزویریکه قانوناً تصریح شده، خالی باشد.

آنچه در بالا ملاحظه شد هدایاتی بود در ارتباط به چگونگی اعتبار سند رسمی. و در رابطه به سند عرفی هدایات مابعد قانون مدنی قابل دید و مطالعه می باشد.

قانون مدنی افغانستان همچنان در ماده (۱۰۲۹) خویش هدایت می دهد

(۱) اثبات به شهادت شهود در آنچه اثبات آن به سند تحریری لازم باشد جواز دارد به شرطیکه مبدأ ثبوت تحریری موجود باشد.

(۲) صدور سند تحریری که وجود تصرف مدعی به را قریب الاحتمال گرداند مبدأ ثبوت سند تحریری شناخته میشود.

- اثبات به شهادت شهود در آنچه اثبات آن به سند تحریری لازم باشد در موارد ذیل جواز دارد:
- ۱ - در صورتیکه اسباب مادی و یا معنوی مانع حصول سند تحریری شود .
 - ۲ - در صورتیکه سند تحریری به اسباب خارج از اراده دائن مفقود گردد .

قانون اصول محاکمات مدنی در ماده (۲۸۱) خویش مدارک اثباتیه قانونی را تصریح نموده و چنین صراحت می دهد:

مدارک اثباتیه -

۱ - اسناد

۲ - شهود

قانون متذکره در ادامه طور تأکید در ماده (۲۸۳) خویش روشن می سازد که:

ماده ۲۸۳ -

اسناد رسمی و عرفی اسنادی است که در فقره ۱ و ۲ ماده ۹۹۱ قانون مدنی تصریح گردیده است.

درین زمینه هدایات مواد ۳۲۱ تا ۳۳۷ قانون اصول محاکمات مدنی بی ارتباط نبوده میشود ملاحظه و دیده شود.

چون منظور اساسی در بررسی جرایم و جنایات و منازعات حقوقی (کشف حقیقت در راه رسیدن برای تأمین عدالت کیفری و حقوقی) است - بدین منظور راه و نحوه رسیدن به این اهداف شیوه قانونی دارد. قانون خود نحوه استناد، به اسنادی را که جهت اثبات جرم و تثبیت حق منحیت ادله و سند اثبات - و یا اسنادیکه از طرف جانبین دعوی منحیت بیئنه برای اثبات دعوی اقامه گردد، معین ساخته است. پس شهادتیکه منحیت سند مدار اعتبار ازان نامبرده شد در زمره همین اسناد عرض وجود می کند. نباید فراموش کنیم که دراستناد به شهادت شهود در موضوعات شرعی با لایخص حدود و قصاص شرایط بخصوص شرعی قابل اجرا است.

چون هدف نویسنده درین بحث ، برجسته ساختن جایگاه و اهمیت شهادت شهود در موضوعات کیفری، مدنی و بطور عام تعاملات بین الناس است زانرو در موضوعات جرایم حدود ، قصاص و دیت که برای شهود و شهادت شرایط، اجرائات و احکام خاص شرعی وجود دارد مربوط احکام شریعت بوده به آن تماسی نمی گیریم .

ما کنون شهود و شهادت را از نظر تعامل ، کار بُرد ها و ضرورت های جامعه و اهمیت آنها در ساحات درونی جامعه از دید گاه قانونی می نگریم تا باشد این جستجوی ما معلومات ناچیز و مثر ثمر به خواستگان آن گردد.

جایگاه شهود در معاملات عادی

همانطوریکه در قسمت های گذشته عرض کردم شهادت از قدیم الایام تا الآن در تعامل اجتماعی و معاملات افراد جامعه و به ویژه درحل منازعات حقوقی و مدنی به صفت معتبر ترین و قدیمی ترین سند و در قضایای کیفری هم منحیت دلیل و برهان برای حقیقت یابی قضایا و در تعاملات افراد جامعه بنام شاهد بطور عام ایجاد و درردیف اسناد خوب برای مردم شناخته شده است. شهادت با در نظر داشت استفاده و قدامت نهایت کهن آن برای اکثریت حقوق دانان و بالخاصه کارمندان ادارات ارگانهای حراست قانون و حقوق نیزنام آشنا داشته ودر دایره تسلط کاری آنها همیشه اتکای خوبی در قضایای مدنی و کیفری بوده است.

ببینید: همانطوریکه شهادت در موضوعات کیفری و منازعات مدنی و حقوقی اهمیت بیچون و چرا دارد. شاهد و شهادت در زندگی درون اجتماع وروابط افراد جامعه و مناسبات ذات البینی آنها بالخاصه کارهای مدنی و حقوقی که بدون منازعه و اختلاف انجام یابد از اهمیت بسزائی بر خوردار است. زیرا اگر تعاملات بین افراد جامعه را از دو

دیدگاه ملاحظه و شهادت شهود را صرف از نگاه کاربرد آن در چنین معاملات در نظر داشته و کار آمد آن را برای معرفت و شناسائی اطراف معاملات رضائی برجسته سازیم آنگاه در می یابیم که این معاملات از دو حالت خالی نیست :

اول اگر اتفاقات خوب و معاملات نیک در انجام کاری بین افراد جامعه توأم با رضائیت همدیگر پیش آید که انجام آن به توثیق و دریافت سندی وابسته باشد - انجام این مأمول بدون حضور شهود برآورده نمی شود. همه میدانیم در موضوعات ازدواج و نکاح ، بیع و شرا ، تملیک و تملک ، و و ما زاد ازین ها - یعنی کار هائیکه با رضائیت جانبین بدون دعوی و جنجال تنها به ترتیب سند و توثیق موضوع ضرورت باشد دران به حضور شهود نیاز است که بدون آن سند مدار اعتبار و قانونی ترتیب و توثیق نخواهد شد. و بسیار دیگری ازین قبیل .

به همین روال در مسایل غم و اندوه و اتفاقات ناگواریکه در پیامد آن ضرورت وثیقه و سند احساس شود آنهم بدون حضور شهود عملی نخواهد بود اثبات وفات هنگام ضرورت ، توثیق مرگ، مرگ اجباری و قتل ، روشن سازی اندازه ورثه و حصر آنها تقسیم ارث و میراث تثبیت و تسجیل نسل و نسب ، موجودیت صغار تعیین وصی و ترتیب وصایت و... که ضرورت به حضور شهود در جهت ترتیب و توثیق سند دارند.

زمانیکه چنین مسایل در دستور کار هر فامیل قرار گیرد بحث ضرورت شهود معرفت در ابتدا و آغازین کار مطرح و آنگاه - جستجو و آماده سازی شهود برای ترتیب وثیقه به میان می آید. این کار در حقیقت خیلی ساده و ظاهرن بدون درد سر معلوم میشود . واقعن اگر چنین اسناد با نیت پاک و دور از استفاده سؤبا فهم کامل شهود از مکلفیت هایش ترتیب و اجراشود اشکالی دران دیده نمی شود. اما زمانیکه سند بر مبنای نیت سؤ و استفاده ناجایز متکی به شهادت شهود در مخالفت با قانون ترتیب شود و یا بر بنیاد شهادت کذب اسناد جعلی خلاف موازین حقوقی و شرعی توثیق گردد این شهادت پس منظر جزائی داشته و کیفر قانونی را در قبال دارد که شهود یاد شده نیز دران منحصی شرکای مباشر قضیه قابل باز خواست خواهد بود . (که در ادامه همین موضوع در ارتباط به شهادت دروغ خواهیم نوشت).

با تذکرات مختصر فوق اکنون دوباره در رابطه به موضوع تحت بحث خود که بطور عام شهادت است بر گشته، عقد متداول و ضرورت مبرم مردم جامعه خود (عقد نکاح) را که شهود و شهادت دران اثر بارز داشته و در خارج و داخل مملکت به آن نیاز جدی احساس میشود بگونه مثال با تشریح اندک و تصویر عملی از نظر می گذرانیم تا باشد به ضرورت مندان مفید واقع شود:

رعایت احکام قانون در عقد نکاح

قانون مدنی افغانستان در ماده (۶۰) خویش چنین حکم دارد
ازدواج عقدیست که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده و واجبات طرفین را به وجود می آورد.

ماده (۶۶) قانون مذکور:

عقد ازدواج به ایجاب و قبول صریح که فوریت و استمرار را افاده کند بدون قید وقت در مجلس واحد صورت می گیرد.

ماده (۶۹)

در عقد ازدواج بدل زن بدل زن دیگر قرار نگرفته برای هریک زوجه ها مهر مثل لازم میگردد.

ماده (۷۰)

اهلیت ازدواج وقتی کامل میگردد که ذکور سن (۱۸) و اناث سن (۱۶) سالگی را تکمیل کرده باشند.

همانطوریکه هدايات صریح قانون مدنی دیده شد - اگر منظور در عقد نکاح مشروعیت تشکیل فامیل و ایجاد حقوق و واجبات طرفین عقد باشد ، پس بر عاقدین لازم است تا نکات عمده و اساسی قانونی و مشروعیت ازدواج را که موجب عقد صحیح و کامل است با دقت کامل مراعات نمایند و توجه بجا صورت گیرد تا شرایط قانونی و احکام آن رعایت شود - بلی رعایت عناصر احکام شرعی و جاری ساختن خطبه نکاح بمنظور صیانت و پیروی از احکام شرع (در کشور های اسلامی که جل و حرمت در معاشرت زنا شوهری را اساسی می دانند) ضروری ولی عنصر قانونی عقد نکاح را می توان به رعایت اوامر و احکام قوانین نافذ کشور در ارتباط به جواز ازدواج و عقد نکاح قانونی و در مطابقت به احکام شریعت دانست جواز و عدم جواز، موانع قانونی و عدم موانع آن در بر گذاری و اجرای عقد قابل رعایت است، دقت باید کرد که جواز و عدم جواز هر دو از اوامر قانونی محسوب میشوند .

اگر عقد نکاح را بطور مؤجز و مختصر به تصویر بکشیم. و به عمق اجرائات قانونی آن توجه کنیم انصاف خواهیم داد که قانونیت و رعایت نظام حقوقی در امر ازدواج در ایجاد جامعه سالم و بقا و تداوم نسل بشر و نگهداشت آثار مابعد

ازدواج از قبیل توالد و تناسل ، شناخت نسل و نسب ، حفظ آثار مرتبه حقوقی در تداوم ازدواج و غیره و غیره از چه اهمیتی برخوردار می باشد.

اکنون با توجه به اهمیت هدایات مواد قانونی و مطالب یاد شده برای همه مسئولین و اشخاص شاغل درین موارد بالاخص ادارات مسئول و اشخاصیکه عقد را جاری و اجرا می نمایند لازم است تا در زمان اجرائات و تدویر بساط عقد ، قبل از جاری شدن و انجام عقد ابتدا بطور دقیق از ممانعت و عدم ممانعت شرعی و قانونی عقد آگاهی کامل حاصل و از قانونی و شرعی بودن عقد مطمئن گردند . و آنگاه به اجرا و انجام عقد اقدام نمایند . تا باشد حقوق و وجایب طرفین عقد بطور شاید و باید رعایت گردد.

گذارش بالا و اوامر قانونی به ما می آموزد: هر سندی را که قانون تکمیل و صحت انرا وابسته بر اوامر قانونی و حضور شهود می داند ، موجودیت شهود دران شرط و عدم وجود آن اعتبار قانونی نخواهد داشت. منجمله همین عقد نکاحیکه در باره آن حرف زدیم.

هدایات قنون مدنی افغانستان در زمینه قابل دقت است.

ماده (۷۷) قانون مدنی حکم می کند
برای صحت عقد نکاح و نفاذ آن شرایط آتی لازم است:

- ۱ - انجام ایجاب و قبول صحیح توسط عاقدین یا اولیا یا وکلای شان .
- ۲ - حضور دو نفر شهود با اهلیت
- ۳ - عدم موجودیت حرمت دایمی و یا مؤقت بین ناکح و منکوحه.

ماده (۸۰)

هر گاه عاقله رشیده بدون موافقه ولی ازدواج نماید عقد نکاح نافذ و لازم می باشد.

ماده (۸۱)

ازدواج شخص با اصول و فروع خود و فروع پدر و مادر و طبقه اول فروع اجداد به طور ابدی حرام است.

و به همین شکل هدایات مابعد این قانون قابل رعایت دقیق است

پر واضح است که از زمانه های سابق تا حال در اجرای عقد نکاح همیشه به شهادت شهود اتکا می گردد. همانطوریکه میدانیم بنیاد عقد نکاح قبل از ثبت و رجستر رسمی در دفاتر دولتی، به اساس معلومات و تضمین شهود در مجلس عقد بنا می یابد دو نفر شهودیکه خود شرایط قانونی را دارا بوده و از کوائف و حال و احوال زندگی طرفین عقد آگاهی خوب و لازم دارند معلومات همه جانبه و اطمینان بخش دایر بر ممانعت و عدم ممانعت عقد نکاح به مجری عقد نکاح در مراسم عقد ارائه و آنگاه استوار بر این معلومات ، عقد نکاح بحضور(شهود عقد) اجرا و جاری میگردد . به ترتیبیکه در ابتدای تدویر مجلس دو نفر شهود خبریکه از شرایط شهادت آگاه و برکوائف و چگونگی زندگی عاقدین معلومات کافی داشته باشند گماشته میشوند تا همه سوالهای قانون و مکلفیت های اولیای امور بی پاسخ نمانده و احکام شریعت و قانون به منصبه عمل پیاده گردد - همان است که این دو نفر شاهد بعد از اجرائات معمول و کسب معلومات کافی از اشخاص مورد نظرکه در مجلس عقد حضور نمی یابند و یا میخواهند توسط وکیل خود ها اراده و اختیار شان رابه اجرا گذارند در محضر اهل مجلس اشهاد می کنند که اشخاص مورد نظر (عاقدین) را بطور کامل شناخت دارند ، اشخاص اصیل همین عقد و با همین نام و نشان بوده و اسم و شهرت جعلی ندارند. ایشان سن قانونی ازدواج را پوره کرده و دارای اهلیت کامل قانونی و شرعی می باشند، در بین عاقدین حرمت شرعی نسبی و سببی موجود نبوده و به همین منوال در بین ایشان حرمت مصاهره (حرمتیکه بعد از ازدواج بین طرفین ازدواج و هر دو خانواده بوجود می آید) موجود نیست و همچنان دختریکه فعلن قصد ازدواج دارد در قید ازدواج غیر نبوده و زن و یا نامزد کسی دیگری نمی باشد و همینطور شرایط لازم دیگر.. که محتوا و احکام شرعی را در بر داشته باشد.

و اصل دیگریکه شاهدان بایست طور دقیق و واضح مطابق شرایط شهادت اشهاد کنند همانا عدم حضور دختر و یا پسریکه نمیخواهند در مجلس عقد حاضر ولی میخواهند وکیل با صلاحیت خود ها را بمنظور انعکاس اراده و وظیفه مشخصه تفویض شده خویش در مجلس عقد بفرستند، گذارش ارائه و وکیل انتخابی آنها را با چگونگی تصمیم و اراده مؤکل یا مؤکله در مجلس معرفی بدارند.

بلی تا جائیکه دیده میشود در اکثر مجالس عقد نکاح - دخترها با پیروی از سنت های مسلط بر جامعه ما بر اساس اراده خود و یا تمایل اراده غیر به مجلس عقد حاضر نمیشوند و شخص دیگری را بمنظور اجرای عقد به صفت وکیل خویش گسیل می دارند.

اینجاست که موضوع وکالت مطرح میشود و وکالت درین راستا روشن ساز و تثبیت کننده رضائیت دختر بر ازدواج و تفویض اراده آن بر فرد مورد اعتمادش است تا تمثیل کننده اراده آن در عقد ازدواج باشد .

دقیق ترین وظیفه شهود هم درین راستا همین اصل است که طور واضح اراده مؤکله را بشنود و بفهمد که مؤکل با درک و فهم روشن از ازدواج و جریان اجرای عقد با خبر بوده و وکیل خویشرا با انجام کدام وظیفه می گمارد آنگاه شهود با فهم کامل وکیل انتخابی را به مجلس و مجری عقد معرفی می کند.

اکنون وکیلیکه خود باید دارای صفات مکمل قانونی و شرعی باشد ووظیفه وکالت را بپذیرد به صفت وکیل با صلاحیت شناخته میشود و می تواند اجرای عقد نکاح را وکالتاً به انجام رساند. بهتر است تا اندازه از وظایف و مکلفیت های شهود معرفت آگاه شویم:

مسئولیت و مکلفیت شهود معرفت

۱ - شهود بایست در مقابل اجرای امر شهادت ازماهیت، اهمیت ، امانت داری و مسئولیت ایمانی و وجدانی شهادتیکه ادا می نمایند و قوف کامل داشته و معلوماتیکه از قبل و یا در اثنای شهادت به ارتباط عاقدین کسب می نمایند با مسئولیت و صداقت کامل آن را ادا و علم و آگاهی کامل ازمسئولیت های آینده آن داشته باشند شهود باید بدانند که اجرای عقد نکاح بر بنیاد شهادت او استوار میگردد. بگونه مثال شهود باید شناخت و معرفت قبلی در باره اصلیت و شخصیت طرفین عقد و اسم و نسب آنها داشته باشد ، صحت عقل و اهلیت آنها را بدانند ، از عدم ممانعت در عقد ازدواج آنها آگاه باشد و غیره و غیره ... شرایطیکه قبلن ذکر گردید.

۲ - در مجموع مکلفیت های شهود عقد و شهود معرفت آنست که در اثنای اجرای عقد نکاح از جواز عقد، رضائیت کامل عاقدین آگاه بوده و شهود معرفت نیز بایست بر علاوه معلومات لازم و قانونی در باره عاقدین در صورت عدم حضور یکی از جانبین بر مجلس عقد بطور واضح و صریح از زبان مؤکله یا مؤکل بشنود که او کدام شخص را به صفت وکیل خویش انتخاب می کند . ازینکه وکالت قابل تجزیه است مؤکل یا مؤکله باید واضح سازند که وکیل دارای کدام صلاحیت ها است معمولن در عقد نکاح بالای دو امر زیاد تر تأکید میشود. وکالت بالای نفس و مهر. تفویض صلاحیت و تسلیم نفس (رضائیت و موافقت به معاشرت زنا شوهری) از طریق وکیل برای شخصیکه با او عقد نکاح صورت میگیرد ویا به عبارت دیگر ابراز رضائیت به معاشرت زنا شوهری از طریق وکیل به شوهر آینده اش اجازه تعیین و تثبیت مهریه و اندازه و رضائیت به آن از طریق وکیل...

به هر صورت دو نفرشهود معرفت با اکمال شرایط ذکر شده در مجلس عقد می روند تا پیام و مکلفیت خود ها را دایر بر عدم ممانعت شرعی و قانونی بین عاقدین ، و اراده و خواست مؤکل یا مؤکله مبنی برانتخاب وکیل شان را در مجلس عقد برای مجری عقد انتقال دهند. شهود با کلمات و جملات تخنیککی وکیل منتخب را که معمولن بنام پدر وکیل یاد میشود برای جاری کننده عقد نکاح معرفی میدارند. زمانیکه شهادت شهود طرف قبول مجری عقد قرار گرفت و از عدم ممانعت عقد نکاح بین عاقدین اطمینان حاصل کرد و شخص معرفی شده وکالت را شناخت و نامزد وکالت ووظیفه انجام وکالت را در نفس مجلس و حضور شهود پذیرفت، آنگاه اجرائات تدویر عقد نکاح بحضور دو نفر شهود عقد که حضور ایشان (شهود عقد نکاح) برای استماع و مشاهده جریان عقد لازمست اجرای عقد آغازوموضوع تعیین مهریه و ایجاب و قبول از طرف جانبین عقد به میان گذاشته میشود وکیل مطابق صلاحیتیکه کسب نموده است وظیفه خویشرا انجام و عقد نکاح در حال وجود جانبین عقد و پذیرش تادیبه مهریه و مقدار آن با رضائیت هردو طرف - با تشریفات معمول شرعی و قانونی و جاری ساختن خطبه نکاح خاتمه می یابد . آنگاه ناکح و منکوحه و یا وکلای قانونی آنها با شهود ذکر شده به پای نکاح نامه امضا و انرا تأیید می کنند . البته آشنا ساختن شهرت مکمل و مسجل ساختن اسناد جانبین عقد ، شهود ، وکلا و غیره اشخاصیکه شناسائی آنها در رؤیت اسناد ضرورت پنداشته میشود لازم دیده میشود.

چون بر بنیاد سنت های قبول شده جامعه ما محافل عروسی و جشن های خوشی با اشتراک جمع غفیری از اقوام و خویشاوندان و دوستان خانواده های عروس و داماد برپا میشود. و تدویر مجلس عقد نکاح نیز اکثرن درجریان همین محفل با اشتراک محاسن سفیدان و اهالی نخبه قابل اعتماد دایر میگردد که همین حضار در مجلس عقد راشهود مجلس عقد خوانند. واین شاهدان نیز می توانند منحصراً حضار مجلس به عنوان بینندگان و تأکید کنندگان عقد نکاح با اجرای عمل حسنه در پای نکاح نامه امضا و تصدیق بدارند که به قوت و اعتبار سند افزوده شود .

اجرائات فوق الذکر در محاکم میهن ما توسط اداره های خاص، زمانی ثبت و راجستر می گردد که معلومات کامل در باره عدم ممانعت قانونی و شرعی و مجموع موضوعاتیکه برای روشن شدن قانونیت ازدواج لازم باشد بطور کامل از طریق اداره های رسمی بدست آید و صحت اجرائات انجام یافته اطمینان حاصل گردد.

به هر صورت تا جائیکه مختصر گزارش بالا نشان داد اساسی ترین اجرائات و انجام عقد نکاح استوار بر شهادت شهود در جهت تطبیق شریعت و قانون است که وجوب موجودیت شهود مدلل به تذکرات بالا حتمی و لازمی پنداشته میشود.

بر باور من در هیچ جایی از نقاط جهان - محلی را نمیتوان یافت که در آن قانونیت ازدواج در بستر نظام حقوقی آنها در جهت نظم و اثرات مابعد ازدواج رسمن وجود نداشته باشد هر نظام و مسلک هر مذهب و آیین بمنظور حفظ حریم خانواده ، فامیل ، نسل و نسب و مجموع حقوق مرتبط به ازدواج را که قوانین، آن را مشخص و رسمیت بخشیده باشد رعایت احکام مربوط به ازدواج قانونی شمرده میشود .

تا جائیکه من آگاهی دارم اجرای مراسم ازدواج و ترتیب سند رسمی قانونی از طرف شهر داری ها در اروپا بمنظور رعایت احکام قانون و رسمیت بخشیدن به ثبت و راجستردر دفاتر دولتی طی مراسم خاص و شوکت و شأن مناسب برگزار و مؤظفین شهر داری که مؤظف به اجرای ترتیب سند رسمی دایر برثبت و راجستریشن نکاح هستند احکام قانون را با دقت کامل بحضور شهود و حضار مجلس به انجام می رسانند. این مراسم تا اندازه مرغوب و دلپذیر است که هر بیننده را مجنوب رعایت و اجرای متین احکام قانون می سازد .

اما آنچه ازین مراسم برای ما قابل تأمل و تفکر است اهمیت شهادت در اجرای عقد است اجرای عقد نکاح با موجودیت شهود و خانواده های عاقدین و مهمانان دعوت شده در محفل با اجرایدر کنار عاقدین است .

قسمت دوم

پیوست به گذشته

اگر پذیرفته شود که شهادت برای شاهد حق است . پس با حق بودن شهادت - شاهد با صلاحیت کامل در اعمال حق خود مختار بوده - و مجبور به ادای آن نمی گردد و میتواند از ادای شهادت ابا ورزد.

و اگر شهادت را تکلیف قبول کنیم درینصورت شاهد تابع تصمیم دادگاه بوده میشود در زمان ضرورت تحت جلب و إحضار قرار گرفته مکلف به حضور و ادای شهادت شود.

علمای فقه در مطالب فوق اختلاف نظر داشته : فقهای اهل تشیع شهادت را تکلیف می دانند و ادای شهادت را واجب (محقق حلی ۱۳۷۲ ج ۴ ص ۱۳۸).

ولی تعداد از علما موافق بر آنند که شهادت واجب کفائی است (از جمله محمد حسن نجفی .محقق حلی ، فخر المحققین ، محقق اردبیلی ، امام خمینی)

و عدۀ هم برین نظراند: اگر شاهد به تحمل شهادت فرا خوانده شود ادای آن واجب و در عکس آن واجب نیست. (نجفی ۱۳۶۸ ج ۱ ص ۱۸۳)

همانطوریکه در مقدمۀ این نبشته طور مؤجز و مختصر عرضه شد شهادت با داشتن صبغۀ شرعی و قانونی منحصیث دلیل اثبات در پهلوی دیگر اسناد مسجل در قانون در بساط دعاوی مدنی و جزائی کار برد با اعتباری دارد.

سابقۀ تاریخی شهادت

همانطوریکه تاریخ حقوق شاهد است: شهادت در منازعات و دعاوی حقوقی منحصیث ادله معتبر و با اهمیت در درازای تاریخ جایگاه بسیار کهن و سابقه داشته و اغلبین اولین طریقه اثبات دعاوی شمرده میشود.

نحوۀ بررسی شخصیت شاهد و شهادت آن

در مجموع ابتدا قبول شخصیت شاهد قبل از اظهارات و ادای شهادت طرف توجه قرار داشته و بعدن نفس و ماهیت اظهارات و شهادتیکه ادا شده و یا ادا می شود بررسی و آنگاه جهات دیگری شاهد و انگیزه های ادای شهادت بررسی و بازپایی میگردد.

به همین روال زمانیکه شاهد - صلاحیت ادای شهادت یافته عمل شهادت انجام یابد آنگاه اصل پذیرش شهادت ادا شده - با چگونگی ادای آن از صلاحیت مفوضۀ دادگاه و صاحب صلاحیت ان است - بررسی اصل پذیرش و عدم پذیرش ادا شهادت ادا شده موضوع مجزای دیگر نیست که به شهود ونحوۀ ادای شهادت مرتبط نیست. پذیرش شهادت ادا شده و یا رد آن با چشم انداز اعتبار اسنادی آن - از صلاحیت حاکم شرع و صلاحیت دار شرعی و قانونی آن است .

همانطوریکه در ادای شهادت به پیشگاه قضا شخصیت شاهد از نگاه ، سلامت عقل ، بلوغ ، عدالت و ایماندارای بررسی میشود شرایط بارز دیگر نیز در پذیرش این اصل مهم در صفحات فیصله های حقوقی و محاکماتی با پروسیجر خاص قضائی رعایت میگردد که دادگاه و قاضی مکلفیت رعایت آنرا عهده دار اند زیرا محکمه به مجردیکه علم در عدم عدالت

و صفات سؤ شهود و شهادت ادا شده - و یا در کاربرد منافع شخصی شاهد در شهادت ارائه شده آگاهی حاصل کند و یا موجودیت کینه و عداوت شاهد را با جانب مقابل درک نماید آنگاه شخص شاهد و شهادت ادا شده قابل پذیرش نبوده موجب ردّ است.

پس ادای عمل شهادت با کم و کیف ادای آن مربوط شهود - و جوهر قبول - یعنی قبول شخصیت شاهد ، تجویز ادای شهادت، پذیرش آنچه شاهد ادا و شهادت داده است بمنظور تأمین عدالت قضائی مربوط مرجع صلاحیت دار شرعی و قانونی در ساحه مدنی و کیفری آن است.

بیاد باید داشت که ادای شهادت در گستره تکمیل یک پرونده حقوقی و یا جزائی صفحات مختلفی را پشت سر می گذارد استماع داشته های شهود (شهادت شهود) در مراحل مختلف برای راه یافتن به حقیقت و تأمین عدالت جزائی و حقوقی موافق به اوامر قانونی مانعی ندارد - میشود در صفحات تحقیق اظهارات شهود شامل پرونده ، استماع و در صورتیکه کیفیت شهادت ایجاب نماید به محکمه مربوط توثیق گردد.

همانطوریکه در بالا اشاراتی صورت گرفت - طرز العمل و نحوه پذیرش و ردّ شهود و یا قبول و ردّ شهادت ادا شده در روشنی احکام شریعت و هدایت احکام قانون - اجرائات خاص و عملکرد ویژه می طلبد .

چون حفاظت و حراست از احکام قانون و حقوق جامعه توأم با حفاظت حقوق افراد آن از تعرض جنایت کاران و حفاظت نظام حقوقی کشور از اخلال و تعرض افراد به حقوق مدنی یکدیگر از وظایف ارگانهای حراست حقوق و قانون و دادگاههای عدالت جزائی و حقوقی پنداشته میشود ، طبعاً به کارگیری و پیاده نمودن احکام قوانین به مفهوم واقعی آن و ضرورت استماع اظهارات و شهادت شهود به منظور گسترش عدالت جزائی و حقوقی نیز تحت کنترل قانون و عمل آن بدوش ارگانهای نامبرده است ، نادیده انگاشتن احکام قوانین و سرکشی ازان و سیله هر فردی از افراد جامعه و مراجع مختلف دولتی و غیر دولتی جرم پنداشته میشود، حفاظت از قوانین و بررسی تخلفات و سرکشی از احکام قوانین در دایره صلاحیت ارگانهای یاد شده (ارگانهای حراست حقوق و قانون) بوده و پاسداری از احکام قوانین وظیفه آنهاست - کشف و تحقیق و تدقیق و بررسی همه جانبه چنین کجروی ها و خیانت به حقوق افراد جامعه از ساحه کشف و تحقیق تا صفحات محاکمه به حیطة و تسلط ادارات متذکره بوده - ارگانهای یادشده منحصراً مدافعین حقوق جامعه افراد قانون شکن و بازیگران با سر نوشت جامعه را که قهر و خشم قانون را بر انگیزند برای عدالت گستری جهت جمع آوری شواهد و دلایلیکه منتج به نتیجه قانون پسند گردد اقدام ورزند.

سخن کوتاه اینکه ارگانهای حراست حقوق زمانی می توانند به طور واقعی حافظ منافع عامه و حقوق افراد جامعه باشند: که واقع بینی و امانت داری رادر راه تطبیق قانون تا سر حد اثبات اتهامات وارده بر متهمین و یا ردّ اتهامات آنها تا سرحدّ تیرئه با توجه به رعایت احکام دقیق قوانین و حقوق متهم با رعایت عدالت جزائی و مدنی در اجرائات خود مطمح نظر داشته و در اثبات اتهام وارده بر متهمین و اعاده حقوق مظلوم از ظالم - راست کاری و راست نگری را پیشه سازند. درین صورت این اجرائات می تواند طریقه بهتر برای ایجاد تأمین عدالت جزائی و حقوقی گردد.

باور کامل داشته باشیم که تطبیق سالم احکام قوانین در جهت تأمین عدالت جزائی و مدنی باور جامعه را نیز کامل و تقویه می دارد. این است که بکارگیری اسناد ، تطبیق و اجرای احکام قانون ما را در راه رسیدن به اهداف قانونی و ایجاد عدالت واقعی رهنمائی و کمک می کند.

بر پایه آنچه تذکر یافت شهادت شهود نیز می تواند ادارات یاد شده را در هر مرحله ازین پروسه منحصراً سند قبول شده قانونی یاری رساند . میدانیم اظهارات شهود در وقوع جرایم و یا شهادت سمعی و بصری شهود که بر بنیاد قوانین نافذ در زمره ادله قابل استناد شمارش شده است در هر مرحله از اجرائات در قضایای جزائی و دوران دعاوی مدنی تا مرحله صدور حکم کمک به سزائی در حل قضایا می کند. در حقیقت این اسنادیکه طرف تأیید قانون قرار گرفته اند دلایل قابل استناد برای تأمین عدالت جزائی و حقوقی بوده و مشروعیت استنادی دارند .

زمانیکه این اسناد با نحوه مشخصه قانونی آن مورد استفاده و استناد قرار داده شوند چنین اجرائات اهداف نهائی قوانین را بر آورده خواهد ساخت - ایمانداری به این طرز نگرش و عمل از صفحات ابتدائی کشف و تحقیق تا صفحات محاکمه و صدور حکم - بی تردید راهگشای تأمین عدالت حقوقی و جزائی می گردند.

در کشور ما افغانستان هدایات قانون اجرائات جزائی در بکارگیری کشف جرایم ، تحقیق و چگونگی اجرائات و انجام آن ، راه و روش جمع آوری اسناد و تنظیم آن ، اظهارات متهم و چگونگی اعتبار آن ، طرز و طریق استماع و اخذ اظهارات شهود بمنظور حقیقت یابی و تأمین عدالت جزائی در سطح کشف و تحقیق در پهلو دیگر قوانین جای کلیدی داشته است.

ببینید قانون اجرائات جزائی (قواعد، مقررات و روشهای قبول شده ایکه مراحل کشف جرم ، تحقیق ، تعقیب ، محاکمه و تطبیق احکام محاکم را پیش بینی نموده حقوق متهمین و محکومین را در راه اجرای عدالت جزائی تضمین می کند) بنام اصول محاکمات جزائی شناخته میشود. بر بنیاد همین مفاهیم - چون بناء و اساس پرونده های جزائی از همان آغازین کار از صفحه کشف و تحقیق تا تطبیق و تنفیذ احکام صادره که بر رسی جرایم را احتوا می نماید در روشنائی اصول محاکمات جزائی انجام می یابد طبعاً در راستای اجرای این پروسه حقوق متهمین و متضررین زیاده تر متبازر و قابل دید است پس با رعایت تطبیق یکسان احکام قوانین و رعایت تأمین عدالت جزائی بایست حقوق هر دو جانب قضایا در این روند کاری منحصراً حقوق قانونی آنها حفظ و حراست گردد.

چگونگی استجواب شهود

قانون اجرائات جزائی (جدید) افغانستان سال گذشته توسط هر دو مجلس شورای ملی بعد از یک سال کار و بحث در کمیسیون های مختلف آخرین در چهار باب ، ۴۶ فصل و ۳۸۲ ماده تصویب گردید.
ولی جنجال بالای ماده ۲۶ این قانون مدتها طول کشید و نگرانی های فعالان مدنی داخلی و بین المللی را بدنبال داشت ثقلت بحث و گفتگو بالای محتوای این ماده دایر بر استجواب و یا عدم استجواب شهود وسیله مراجع قانونی بود. توجه فرمائید ماده متذکره این احکام را بخود جاداده است!
قانون اجرائات جزائی در ماده ۲۶ خود افرادی را فهرست کرده است که نمی توانند به عنوان شاهد از سوی مراجع قانونی مورد «استجواب» قرار گیرند نص صریح در ذیل مطالعه فرمائید.

مسأله شهادت

ماده ۲۶

الف: اشخاص ذیل را نمیتوان به عنوان شاهد مورد استجواب قرار داد:

- ۱ - شخصیکه با ادای شهادت مسئولیت قانونی وی مبنی بر عدم فاش ساختن اسرار اداره مندرج قوانین نافذه نقض گردد، مگر اینکه به مقام مربوط اجازه داده شود.
 - ۲ - وکیل مدافع
 - ۳ - شریک جرم در صورتیکه رسیدگی قضیه مورد اتهام آنها بصورت مشترک جریان داشته باشد.
 - ۴ - اقارب متهم
 - ۵ - مشاور حقوقی، داکتر معالج ، اهل خبره ، روانپزشک و یا خبر نگاریکه مکلف به حفظ محرمانه معلوماتی باشندکه در زمان انجام وظیفه و تماس با مؤکل و یا گزارشگر شان بدست می آورند ، مگر اینکه محکمه مسئولیت آنها را مرفوع سازد.
 - ۶ - طفل غیر ممیز که نظر به سن و مرحله ذهنی ، قادر به درک معنی حق انکار از شهادت نباشد.
 - ۷ - شخصیکه فاقد اهلیت شهادت باشد
- ب: مامور ثبت اسناد ، قضائی ، دادگستری و محکمه مکلف اند اشخاص مندرج در فقره (۱) این ماده را از حق عدم ارائه جواب (حق سکوت) مطلع نمایند.
- ج: محکمه می تواند به پیشنهاد یکی از طرفین ، در صورت موجودیت دلایل موجه مبنی بر اینکه شهادت در تثبیت جرم یا بی گناهی شخص مظنون یا متهم اهمیت داشته و یا منفعت اجتماعی آن نسبت به حفظ حریمت بیشتر باشد ، مسئولیت حفظ اسرار مسلکی از این امر مبرا نماید.
- در این صورت محکمه می تواند شهادت شاهد را در اتاق مخصوص و در صورت ضرورت ، بدون حضور طرفین بشنود.»
- از ماده مذکور استنباط میشود که اگر شخصی مرتکب جرمی شود و یکی از اقارب وی شاهد صحنه جرم باشد ، برایش حق داده شده است تا به نهاد های عدلی و قضائی شهادت ندهد ، ولی در فقره سوم ماده مذکور توضیح بیشتر داده شده که اگر یکی از طرفین پیشنهاد نماید ، محکمه شهادت شان را بدون حضور طرفین باید بشنود.
- نکته دیگر ذکر کلمه «اقارب متهم» است که قانون گذار روشن نکرده که چه کسانی شامل تعریف «اقارب متهم» می شوند.

قانون اجرائات جزائی قبلی

اگر نیک دیده شود قانون اجرائات جزائی سال ۱۳۴۴ افغانستان قانون کارآمد و نسبتن جامعی بود زیرا قانون متذکره موضوع استجواب شاهد را به گونه دیگری تعریف کرده است . ببینید:

ماده ۲۳۷ چنین هدایت دارد

«زوج و زوجه در همه احوال می توانند از ادای شهادت علیه همدیگر امتناع ورزند و لو که ازدواج بین شان قطع شده باشد ، اصول و فروع و اقارب متهم و خویشاوندان او تا درجه دوم می توانند از ادای شهادت علیه متهم ، امتناع نمایند. مشروط بر اینکه جرم منسوب به متهم علیه شاهد یا یکی از اقارب یا خویشاوندان نزدیک او نباشد.»

می بینیم درین قانون اقارب متهم درجه بندی گردیده و تصریح شده است که اگر در پرونده ای دلایل کافیه الزام به محکومیت یا تیرئه شخص ، بجز از شهادت اقارب وجود نداشته باشد ، دادستانی و یا محکمه می تواند شاهد و یا شاهدان

را جهت استماع شهادت جلب و احضار نمایند و در صورت عدم حضور و ادای شهادت در دادگاه ، مطابق ماده (۸۳) به حبس کمتر از دو ماه و یا جریمه نقدی محکوم به مجازات می شدند.

اگر بملاحظه احکام یاد شده قبول کنیم شوهری به خانم و اقارب خویش یا عکس فرضیه خانمی به شوهر و اقارب خود ضرری جانی و مالی عاید نمایند که این اضرار ماهیت جرمی داشته و اقارب متهم موضوع را ساکت گذارند و حاضر به شهادت نشوند و اثبات و عدم اثبات جرم هم منوط به داشته های شهود باشد چه باید کرد؟ درینصورت تکلیف مراجع قانونی و ارگانهای حراست حقوق در پرتو احکام قانون چه بوده و مجرم به استناد کدام سندی تبرئه و یا مجازات شود؟

بر باور من: مدلل به آنچه از نظر گذشت قانون اجرائات جزائی سابقه از نظر سهولت در کار، صراحت احکام و شرایط بخصوص جامعه ما گواراتر و پُر بارتر در راه تأمین عدالت مدنی و جزائی خواهد بود.

باقی دارد

سخی صمیم

قسمت اول (۱)

اهمیت شهادت در گسترش عدالت مدنی و جزائی

شهادت در زمره اسناد مدار اعتبار

یافته های من از لابلای احکام قوانین

عزیز خواننده گرامی : آنچه را برای مطالعه خدمت شما بنام شهادت عرضه میدارم در روابط اجتماعی افرادی که صاحب نظام حقوقی و قانونی اند ضرورتی است که آگهی ازان بیفایده نخواهد بود .

در روز های پسین - سلسله نبشته های در ارتباط به حق بودن شاهد و یا تکلیف آن (مجبوریت شاهد در احضار جهت ادای شهادت و یا عدم اجبار شاهد به ادای شهادت در موضوعات کیفری) در رسانه ها سخت پیچید و توجه علاقه مندان را به خود معطوف ساخت - چون مرکزیت بحث و نوشته ها همه روی مکلفیت های شهود جهت ادای شهادت و یا حق بودن شهادت برای شاهدیکه عدم حضور او را منحصیث حق او محقق سازد حادّ و گرمتر شد .

جهت گیری ها و یا تعمق و تفکر بالای هر دو طریقه برای استماع داشته های شاهد منحصیث ادله اثبات برای تطبیق کیفر و جزا و یا پیدا شدن دلایل و شواهد برای تبرئه متهم - سراسر بمنظور حفاظت حقوق متهم و تأمین عدالت جزائی و یا رعایت حقوق افراد در قضایای حقوقی جهت گسترش عدالت حقوقی بوده است تا عدالت به وجه احسن تطبیق و بیگناهی زجر نیبند و حق مظلوم تلف نشود . که هر دو به گمان اغلب در جستجوی همین راه صواب بوده اند .

ببینید : زمانی که استکفاف از ادای شهادت حق شاهد پنداشته شود و یا احضار شاهد به منظور شهادت مجاز و روا قلمداد گردد - هر دو احترام به حق افراد و جستجوی طریقه بجا در راه تأمین عدالت است تا حقوق افراد جامعه متکی به آن مصئون و محفوظ باشد . یقین اجتماعی که نظام حقوقی و قانونی - استوار بر عدالت اجتماعی اند - افراد جامعه آن نیز دارای زندگی آرام و محفوظ تری هستند .

بیترید نظام حقوقی و قانونی بر مبنای عدالت اجتماعی - برای حفاظت حقوق افراد جامعه و ایجاد فضای بهتر زندگی و آرامش و امنیت شرط اساسی پنداشته میشود تثبیت و جستجوی هر طریقه ای که مُد و مؤید تطبیق احکام قانون جهت تأمین عدالت واقع شود خالی از صواب نیست .

زمانیکه سخن از قانونیت و عدالت بمیان می آید مکلفیت های افراد جامعه نیز استوار به رعایت احکام قانون مطرح میشود استفاده از حق - مکلفیت حقوقی نیز دارد - مصادر قانونی و حقوقی استفاده از حق را تا زمانی مشروع و مجاز می داند که حقوق دیگران طرف تجاوز قرار نگیرد .

اما مجرمین و خلاف کارانیکه با نادیده گرفتن احکام و اوامر قانون در حال وجود امنیت و آرامش باعث ایجاد بینظمی - قانون شکنی و ائتلاف حقوق دیگران شوند و جامعه را متضرر و حقوق افراد آن را پامال سازند - ضرورت عدالت کیفری و حقوقی - برای حفظ سلامت جامعه و امنیت افراد آن می آید . تا حقوق جامعه و افراد آن از تعرض غاصبین مال و جان افراد جامعه و جنایتکاران در امان بوده ، سرکشان و متجاوزین بحق اجتماع که مرتکب قانون شکنی و اخلال نظم در جامعه گردیده سر نوشت مال ، جان ، ناموس و امنیت افراد جامعه را در معرض خطر قرار می دهند به کیفر اعمالیکه مرتکب شده اند باید برسند .

جبیره نقض حقوق الله و حقوق العباد :

جبران ضرر جامعه (حقوق الله) و نگرهبانی حقوق شخصی افراد جامعه از تعرض (حقوق العباد) در راستای گسترش عدالت جزائی و تأمین عدالت حقوقی بر اساس اوامر قانون و مصادر پذیرفته شده یگانه راه رسیدن به امنیت کامل و رفاه اجتماعی است . اجرای یکسان احکام قوانین و رعایت نظام حقوقی کشور استوار بر پایه عدالت حقوقی ، احترام به مشروعیت جزائی بر پایه عدالت جزائی -- مدلل بر اسناد و دلایلیکه قانون برای محکوم کردن و یا تبرئه متهمین تعیین کرده است راه رسیدن به این هدف است-- و دلایلیکه برای صدور احکام حقوقی و جزائی جواز قانونی دارد - در راه گسترش و تأمین عدالت اجتماعی و امنیت جامعه نیز اثرات کلی و مبرمی دارد .

بلی ما هم اکنون در ارتباط با سندی حرف می زنیم که در پهلوی دیگر اسناد قانونی در ساحة بررسی جرایم کیفری و مدنی کار برد به سزائی داشته و از قدیم الایام طرف استفاده بوده است .

این سند معتبر در نظام حقوقی و کیفری بنام شهادت شناخته میشود . و استفاده از آن در گستره تأمین عدالت جزائی و حقوقی اهمیت بالائی دارد .

نقش شهادت در اصول محاکمه جزائی و مدنی

شهادت از دید لغوی به معنای حضور ، اطلاع و معاینه آمده است و از دیدگاه (حقوق و فقه) اظهار و بیان شخص واجد شرایط - آنچه را دیده و یا مشاهده کرده به پیشگاه قاضی و حاکم است .

گواهی دادن به یگانگی خدا را نیز شهادت گویند .

و کشته شدن در راه خدا را نیز شهادت خوانند .

در واقع فردیکه حقیقت امری را دیده و یا شنیده - به شخص دیگریکه آن را ندیده و یا شنیده است انتقال دهد به معنی شهادت است . به این مفهوم شخصیکه به حقیقت امری - اطلاعات مشاهداتی و یا سمعی خود را به منظور کشف و اتصال به حقیقت به معرض استفاده دیگران قرار می دهد این عمل را شهادت خوانند .

پس آنچه ازین معانی مفهوم است - شهادت منحیث بیئه در ردیف اسناد مدار اعتبار در موضوعات مدنی و کیفری و (حقوقی و جزائی) طرف استفاده قرار گرفته در جمله ادله اثبات محسوب میشود .

حکمت در مشروعیت شهادت:

حکمت در مشروعیت شهادت : حفاظت و صیانت حق بطور عام ، اعم از حقوق الله و حقوق العباد است .

دقت روی این دو اصل اساسی دومیطلب دیگر را متباز می سازد : ۱ - تحمل شهادت ۲ - ادای شهادت

تحمل شهادت : ملزم و یا مکلف بودن شاهد به ادای شهادت است تا آنچه را دیده و یا شنیده است ادا نماید .

ادای شهادت : اظهار و اعلام شاهد بدون اکراه و استجواب است تا آنچه را دیده و یا شنیده است بمقامات رسمی ذیصلاح و بحضور قاضی و حاکم شرع بیان و اظهار نماید .

مفاهیم فوق قسمیکه در بالا ذکر شد دو باره سؤال بر انگیز میشود ؟ که شهادت درین حالت بطور عام برای شاهد حق است یا تکلیف ؟

ادامه دارد لطفن منتظر باشید